

گرایش

ویژه گرایش
تومراکافان

مصاحبه با مسئول امور اراضی جهاد کشاورزی

زمین‌های گراش را دیمی واگذار کردند



شماره چهارم ■ ضمیمه شماره ۱۹۶۴ روزنامه افسانه فارس ■ ۱۲ صفحه

www.gerishna.com

شماره چهارم ■ ضمیمه شماره ۱۹۶۴ روزنامه افسانه فارس ■ ۱۲ صفحه

اغاز

محمد خواجهپور

روز معلم فارغ از گل و شعار

سال گذشته این روزها بود که به جای متن‌های تکراری تبریک روز معلم یک متن ساده جلو سر در دبیرستان سیدالشهدا (ع) نصب شد: «در هفته بزرگداشت مقام معلم مجذبه خواستار حل مشکلات معیشتی خود از جانب مسئولین هستیم.» البته این نوشته ساعتی چند بیشتر دوام نیاورد. از این به بعد هر وقت روز معلم برسد به یاد آن پارچه نوشته می‌آیم. همه معلم‌های شهر من که به جای سفر به آن سوی خلیج فارس یا ماندن در شهرهای دانشگاهی خود به گراش برگشتند و همین‌جا ایستادند.

توقعات خانواده خودشان از یک سو و توقعات خانواده دانش‌آموزان از سوی دیگر به آن‌ها وارد شد و با این وجود سعی کردند نسل بعدی شهر خود را بسازند.

معلمها گلابه دارند اما به خاطر مقام معلمی هیچ وقت صدای‌شان به گوش کسی نرسید. ما هم صدای آنان را چندان نشنیدیم.

در اردیبهشت امسال به سراغ معلم‌هایی از جنس دیگر رفتیم. معلم‌هایی با زحمتی چند برابر. در پرونده «آموزش در متن/آموزش در حاشیه» به دنبال بخش‌های کمتر دیده شده آموزش و پرورش بودیم. دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، نوآموزان سوادآموزی و افغانی‌های محروم از تحصیل بخش‌های کوچکی از خانواده بزرگ آموزش و پرورش هستند.

شبکه بهداشت در هفته بهداشت مردم را به خیابان آورد از کودکان هفت ساله تا جوانان هفتاد ساله



عکس: سعید توکلی

هر بعد از ظهر پذیرای مردم بود. شبکه بهداشت، دانشکده علوم پزشکی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، اورژانس ۱۱۵، اداره بهزیستی، آفسا، هر کدام غرفه‌هایی در این نمایشگاه داشتند که با استقبال خوب مردم روبرو شد.

پوشاند. در اولین روز این هفته، دکتر محمدی، رئیس شبکه بهداشت و درمان در نماز جمعه سخنرانی کرد. روز شنبه علاوه بر به صدا در آمدن زنگ سلامت در مدارس شهر، نمایشگاه سلامت در حسینیه ولی عصر (ع) با حضور مسئولین افتتاح شد. این نمایشگاه تا روز چهارشنبه

استقرار، برنامه‌های خاصی را برای این هفته تدارک دیده بود. این برنامه‌ها از روز جمعه با اندازه‌گیری BMI و فشارخون در محل برگزاری نماز جمعه گراش، توسط دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آغاز شد. از صبح همین روز پارچه‌نوشته‌هایی هم با شعارهای بهداشتی شهر را

تکلیف ادارات شهرستان را روشن کنید

توقف مطلقاً ممنوع

تابلو اداره ثبت اسناد و املاک گراش زیر باران آفتاب در حال کهنه شدن است اما خبری از افتتاح این اداره نیست. اداره ارشاد اسلامی ۱۶ ماه پیش در سفر استاندار پیشین افتتاح شد. در آبان‌ماه ۱۳۸۹ به مردم گراش قول داده شد که تمامی ادارات در این شهرستان افتتاح شود و در یک روز رئیس پنج اداره معرفی شدند اما پس از دانشکده علوم پزشکی شش ماه است اداره تازه‌ای در این شهر افتتاح نشده است. چرخ‌دنده‌های گسترش اداری شهرستان گراش با پایان کار کمیته پیگیری و واگذاری کارها به فرمانداری کند شد و با آغاز اختلافات حسنی و فرماندار تقریباً متوقف گردید. قرار بود برای آغاز کار کمک‌های مردمی تنها برای راه افتادن کار باشد و بعد دولت کار را به دست بگیرد. انتخابات و شور آن باعث شد کمتر کسی سراغی از وضعیت ادارات شهرستان بگیرد. شاید مسئولین شهرستان منتظرند تا جعفرپور بر کرسی نمایندگی مجلس بنشینند و بهانه اصلی چون همیشه به کارشکنی لار تبدیل شود.

درخواست بی‌جواب امام جمعه

حجت‌الاسلام حلاجی امام جمعه گراش چندین بار از تربیون نماز جمعه خواسته است که وضعیت ادارات مشخص شود. مهمترین آن‌ها نماز جمعه ۱۵ تیرماه بود. امام جمعه گراش گفت: کلیاتی در مورد ادارات گفته شده است اما هنوز برای مردم سوال است که چند اداره ارتقا یافت؟ چند اداره تاسیس شد؟ و یا این که چند اداره هنوز مستقل نشده است؟ این برای بسیاری از مردم سوال است که باید آمار دقیقی ارائه شود.



- ۰۱ تحلیل انتخابات: یازده بازیکن، بدون مربی
- ۰۲ گزارش گاوها سبوس بارانه‌ای می‌خواهند
- ۰۳ گزارش تاکسی حجاب: خانم‌ها پشت زل
- ۰۴ گزارش مدرسه‌ی لاله: فرشته‌های زمینی
- ۰۵ گزارش
- ۰۶ گزارش

بازرگانی نبض اقتصاد جنوب
Pulse of south Economy Co
مشاور امور گمرکی، ثبت سفارش، ترخیص کالا به صورت فیکسی و حق‌العملکاری
تحویل کالا از چین و دبی ترخیص از طریق گمرک چابهار و بندرعباس
www.poseco.ir
تلفن: ۰۹۱۲-۱۷۷۵۱۳۳ / ۰۹۱۲-۱۴۰۶۱۷۱
شماره ثبت: ۲۷۰۱۸

جناب آقای محمد اسدالله نور
انتخاب شایسته شما در انتخابات بازرسی و کمیته کنترل و نظارت پروژه دفتر نماینده نظام مهندسی ساخته‌های شهرستان گراش
تبریک عرض می‌نمایم.
همسر و فرزندان

دبیرخان
زیر اصلاحی
تبریک ما را به خاطر موفقیت در لیگ علمی پایا و راهیابی به مرحله استانی پذیرا باش.
پدر، مادر و خواهرات الهه

جناب آقایان سرخوش و دیباچی
حضور دست خیرتان در جای جای کشور خصوصاً شهر عزیزمان گراش را سپاس می‌گوییم.
بسی مایه‌ی مباهات است که با همت شما عزیزان بزرگترین پروژه شهرستان که به منظور تقدیم به ساعت مقدسی حضرت ولی عصر (عج) رقم خورده بود هم اینک وسیله‌ی حمایت از سیاست کشوری نیز قرار گرفت و بار دیگر پایبندی و پیرویتان از حضرت امام (ره) - سیاست ما عین دیانت ماست - را نمود بخشیدید.

اولین دوره انتخابات مجمع هلال احمر شهرستان گراش
جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱
از ساعت ۸ الی ۱۳
مسئله چهارده محصوم (ع)
دبیرخانه انتخابات هلال احمر شهرستان گراش - ۲۲۲ ۳۰۶۰

نمایندگی فروش در ایران
۰۹۱۷۱۷۲۳۰۰۷ - رستمی
چای طالب
ZARIN
TALIB TEA

زمین‌های گراش نیاز به مدیریت و برنامه‌ریزی جامع دارد

بخش عمده‌ای از مراجعات به شورای شهر و شوراهای حل اختلاف در مورد مساله زمین و نحوه مالکیت آن است. زمین به عنوان یک سرمایه‌گذاری مطمئن و طولانی مدت همواره مورد توجه گراش‌ها بوده است اما این سال‌ها با افزایش جمعیت ارزش املاک نیز افزایش یافته است و در نتیجه حساسیت عمومی به موضوع زمین و زمین‌خواری افزایش یافته است. شاید دلیل اصلی مشکلات موجود نبودن مدیریت مستقل در گراش بوده است. به دلیل فقدان اداره ثبت اسناد و املاک وضعیت مالکیت بسیاری از زمین‌ها و املاک گراش قطعی نشده است و معاملات نیز به طبع آن بر اساس اسناد قدیمی و قولنامه انجام می‌شود. از سوی دیگر برخی افراد با توجه به این ضعف سعی در دست‌یابی به زمین‌های بدون مالک و یا مشکوک داشته‌اند. وجود عرف‌هایی همانند «پیزاب» نیز بر مشکلات تعیین مالکیت افزوده است. از این رو اداره ثبت اسناد و املاک از اداراتی بود که شورای شهر حتی پیش از اتفاق فرخنده شهرستان شدن گراش به دنبال آن بود. اما متأسفانه با وجود کمک‌های مردمی فراوان به این اداره و در اختیار گذاشتن محل هنوز این اداره مهم راهاندازی نشده است.

وجود سند رسمی هر چند در ابتدا با کمی هزینه همراه است اما از تداخل میان شهروندان و شهرداری جلوگیری می‌کند. البته نیاز است که اداره ثبت در صدور اسناد به برنامه‌ریزی‌های موجود همانند نقشه جامع شهر توجه کند.

معضل دیگر که زمینه زمین‌خواری را در گراش فراهم کرد واگذاری‌های فراوان و نامشخص به عنوان زمین‌های کشاورزی به افراد خاص است. در حالی که گراش پیش از پنجاه سال است به عنوان یک شهر شناخته می‌شود. زمین‌های دور تا دور شهر به عنوان زمین‌های کشاورزی به افراد حقیقی واگذار می‌شود. با وجود کمبود آب در منطقه واگذاری این همه زمین در اطراف یک شهر به عنوان زمین کشاورزی با یک اشتباه مدیریتی است و یا با قصد محدود کردن گراش انجام شده است. این مساله باعث شده برای تعیین محل پروژه‌های بزرگ همانند مراکز اداری، ورزشی و صنعتی و آموزشی مشکلات زیادی وجود داشته باشد.

در سال‌های آینده با رسیدن مرزهای شهر به زمین‌های واگذاری مشکلات بیشتر نیز به وجود خواهد آمد. اگر از بالا به نقشه گراش نگاه کنید می‌بینید که گسترش گراش در سمت جنوب شرقی و جنوب غربی به دلیل وجود زمین‌های ملکی و واگذاری متوقف شده است اما در بخش‌هایی که به صورت شهرک است شهر گراش شکل منظمی داشته و خدمات‌رسانی به آن بهتر انجام می‌شود. نقشه جامع شهر گراش با محدوده فعلی در شورای شهر سوم تدوین شده است اما به نظر می‌رسد باید برای آینده دورتر گراش نیز اندیشه کرد و امکاناتی برای حداقل افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی نمود.

*مدیرعامل‌رضا هرمزی
سخنگوی شورای اسلامی شهر گراش



غذای سالم - در مدرسه کریمیان [عکس: محمود آذرایین] | نماینده در نمایشگاه هفته سلامت | هفته منابع طبیعی در هلال احمر | راهپیمایی نوجوانان و مادر بزرگ‌ها | بازدید معاون فرمانداری از نمایشگاه هفته سلامت | گزارش تصویری سید نورالی

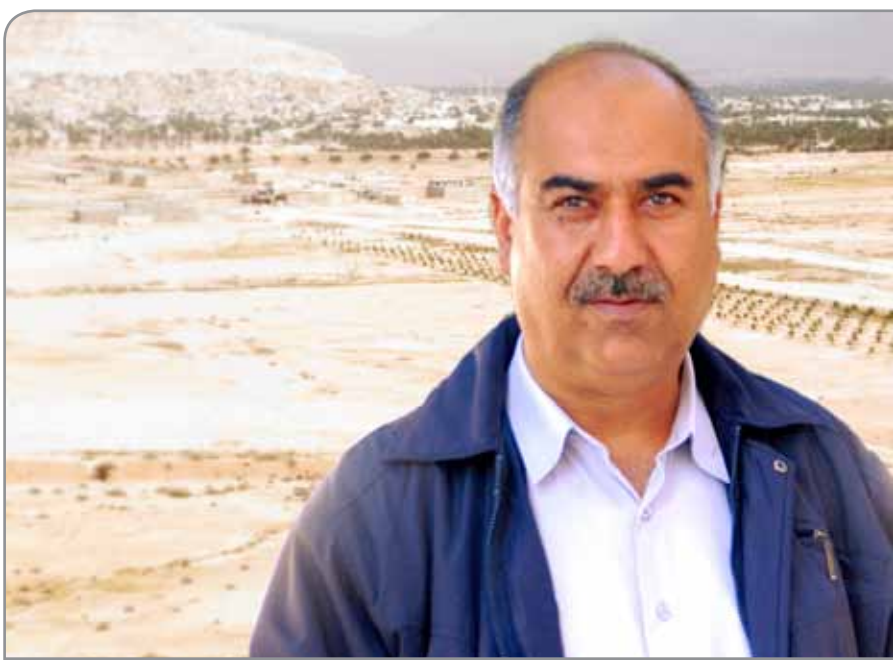
زمین‌های گراش را دیمی واگذار کردند

مجاز واگذاری نداریم. ■ ساخت و ساز در زمین‌های زراعی و باغی مجاز است؟ ساخت و ساز (یعنی دیوار کشی، احداث ساختمان و...) در زمین‌های زراعی و باغی، چه ملکی و چه واگذاری، خلاف قانون است. اگر ساخت و ساز قبل از سال ۸۵ باشد، مشکلی نیست. در غیر این صورت، اگر در حال ساخت و ساز باشد، کار متوقف و شخص جریمه می‌شود. همچنین بناهای بعد ۸۵.

■ در این زمینه چه میزان تخلف در گراش ثبت شده است؟ تخلفات در گراش زیاد است. ما ۶۰ الی ۷۰ پرونده به دادگاه تحویل داده‌ایم. البته در نماز جمعه هم اطلاعیه دادیم و اعلام کردیم.

■ گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که زمین‌هایی که از قدیم در آن کشت می‌کرده‌اند، به اشتباه ملی اعلام می‌گردد. تکلیف این زمین‌ها چه می‌شود؟ این جور پرونده‌ها ارجاع داده می‌شود به کمیسیون ماده واحده، که کمیسینی است مستقل و مستقر در منابع طبیعی. دبیر کمیسیون آقای ادیب است که در لار مستقر است و کارهای گراش را هم انجام می‌دهد. مثلا من زمینی داشتم که در آن کشت می‌کردم و منابع طبیعی آن زمین را ملی اعلام کرده است حالا چرا؟ این برمی‌گردد به اشتباه نقشه‌بردار یا کسی گفته این زمین ملی است. به هر حال، اعتراض به کمیسیون ماده واحده که مرجع رسیدگی به این مسائل است ارجاع داده می‌شود. اعضاء این کمیسیون عبارتند از: دادستان محل، رییس امور اراضی، رییس جهاد کشاورزی، رییس منابع طبیعی، و کارشناسان کارشناسان پس از مشاهده محل زمین، اگر تشخیص دهند که در آن از قدیم کشت می‌شده، حکم به عودت زمین به شخص می‌دهند. به این ترتیب، زمین به شخص عودت داده می‌شود.

■ منابع طبیعی می‌تواند مستقیم زمین واگذار کند؟ منابع طبیعی مستقیم نمی‌تواند زمین واگذار کند. منابع طبیعی از طرف دولت مالک زمین‌هاست. مرجع اصلی در واگذاری زمین امور اراضی است. وقتی ما زمینی خواستیم، باید به ما بدهد. البته باید سند داشته باشد، و ملی بودن آن قطعی باشد.



شده است با چم و خم زمین‌های واگذاری گراش به طور کامل آشنا باشند. بعد از راهاندازی مدیریت جهاد کشاورزی گراش او به عنوان مسئول امور اراضی به گراش آمد. قاسم‌اف دو پسر و سه دختر دارد و با وجود ورود به سن بازنشستگی کارکشته‌ترین کارمند جهاد کشاورزی گراش در پلوار معلم است. در یک روز زمستانی با او گفتگو کردیم.

آباد نشده یا نیمه‌کاره رها شده‌اند و فقط دست به دست خرید و فروش شده‌اند؟ متأسفانه اتفاقی که در گراش در بحث واگذاری زمین افتاده این است که واگذاری‌ها به صورت دیم بوده است. ■ چرا دیم؟ علت خاصی داشته است؟ ما به دنبال علت‌ها هستیم. به گفته بعضی‌ها، بنا بوده از طرف گراش‌ها فرودگاهی احداث شود، لذا نماینده وقت مجلس شورای اسلامی، آقای نخعی، مسئول امور اراضی وقت را تحت فشار قرار داده است که به هر قیمتی شده، زمین‌های گراش را واگذار کند. ۱۱۰۰ هکتار زمین در قالب طرح‌های تخلیات دیم سنتی واگذار شد، البته مقدار کمی هم این بوده است. بعضی‌ها آمدند و از اداره آب گرفتند و از ۵ هکتار، ۲ هکتار را آباد کردند. ما برای اینها ۳ بار اخطار صادر می‌کنیم. اگر آباد نکنند، بعد از اخطار

لطفاً مختصری درباره تاریخچه واگذاری زمین توضیح بگویید؟ عنوان «اصلاحات ارضی» در قالب وزارتخانه، سازمان تعاون ارضی و سازمان تعاون روستایی فعالیت انجام می‌شد. بعد از انقلاب، سازمان تعاون روستایی جای خود را به هیاتی ۷ نفره داد که به نام «هیات ۷ نفره واگذاری زمین» معروف شد. این هیات در شهرستان‌ها مستقر شد و شروع به واگذاری زمین در قالب طرح‌های زراعت و باغداری کرد. این هیئت در لار هم مستقر شد. ■ در گراش هم زمین واگذار شد؟ بله. ■ چه میزان زمین و به چه کیفیتی زمین‌ها واگذار شد؟ منظورمان از به چه کیفیتی، چیست؟ ■ بعد از گذشت سالیان متممادی، مشاهده می‌شود که اکثر زمین‌ها



۱۸۰ دانش آموز به دبیرستان نمونه دولتی می‌روند

سال آینده تحصیلی، دو دبیرستان نمونه دولتی به مدارس شهرستان اضافه می‌شود. مجوز این دو دبیرستان سال گذشته ابلاغ شده است که با اطلاع رسانی اداره آموزش و پرورش، در روستاها و بخش مرکزی شهرستان، کار ثبت‌نام آن در فروردین ماه پایان یافت. محمدعلی فرجی معاون آموزشی اداره آموزش و پرورش گراش درباره ظرفیت این دو دبیرستان توضیح داد: هر مدرسه ۶۰ نفر در پایه اول و ۳۰ نفر را در پایه دوم تحصیلی می‌پذیرد. مکان این دو دبیرستان نیز برای پسران دبیرستان کامروا و برای دختران آموزشگاه امام رضا (ع) در نظر گرفته شده است. هرچند هم‌اکنون آموزشگاه امام رضا (ع) به عنوان مجتمع اداری شهرستان شناخته می‌شود ولی با این حساب ادارات گراش باید به جای دیگری نقل مکان کنند. فرجی زمان برگزاری آزمون را دوم تیرماه اعلام کرد. او با توجه به تغییراتی که در منابع آزمون ایجاد شده است، از دانش‌آموزان خواست به سایت آموزش و پرورش و یا مدیریت مدارس مراجعه کنند. اخذ مجوز دبیرستان پسرانه با پیگیری آقای حسینی نماینده مردم در مجلس محقق شده است و مجوز مدرسه دخترانه نیز پس از آن با نامه‌نگاری از طرف اداره آموزش و پرورش کسب شده است. در توجه به مشکل اساسی در سیستم آموزشی گراش که کمبود دانش‌آموز است، به نظر می‌رسد این دو دبیرستان رمق مدارس دیگر را بگیرد. اما فرجی، برخلاف این نظر، عقیده دارد تا جایی که باعث شود کیفیت آموزشی در شهرستان را بالا ببرد و موجب تغییر در نگرش مردم نسبت به تحصیل داشته باشد مردم است. به صورت معمول حق انتخاب معلمان در این مدارس برعهده مدیران است. محمدعلی فرجی درباره انتخاب مدیران این دو دبیرستان توضیح داد: هنوز برای این انتخاب کمی زود است. به زودی با انتخاب سه مدیر و معرفی آنان به اداره کل استان مدیران این مدارس توسط اداره کل معرفی خواهند شد. با توجه به اعطای مجوز مدارس نمونه دولتی به بسیاری از شهرهای



مدرسه شبانه‌روزی ولیعصر (عج) گراش - [عکس: آرشو]

بودن اکثر دانش‌آموزانش این خطر را متوجه دبیرستانش نمی‌داند. او می‌گوید: نوع نفر نیرو برای گراش زیاد به نظر می‌رسد. اگر مثلا اوز دبیرستان نمونه نداشت می‌شد به حسینی مجوز دبیرستان پسرانه داده شد. تمام مشخصاتی هم که برای اعطای مجوز داده شده است علت کمبود دانش‌آموز مشکلاتی ایجاد شود اما باید تلاش بیشتری باشد و باعث ایجاد رقابت بشود. شیبانی شروع کار را مهم‌تر از بحث برسر مکان مورد نظر برای این دو مدرسه می‌داند. کمی دانش‌آموزان و ظرفیت نود نفره اعلام شده دغدغه اصلی مدیران دبیرستان‌ها است. هرچند آنان نیز موافق ایجاد فضایی رقابتی هستند که به رشد علمی شهر کمک کند. معادل ۱۵ هم به نظر زیاد نخبه‌گرا احمد حسن‌نژاد مدیر دبیرستان شبانه‌روزی ولی‌عصر (ع) می‌گوید: نمونه دولتی بوده است. خانم شیبانی یکی از قدیمی‌ترین مدیران دبیرستان در گراش با اشاره به اینکه بچه‌های شهر باید امکاناتی مانند شهرهای همجوار داشته باشند



نقاشی‌های هنرجویان رشته طراحی چهره هنرستان امیرکبیر

زنگ نقاشی

چند ساعت در تاکسی تلفنی ویژه بانوان

گزارش
 فاطمه یوسفی



پلیس
 سازمان آتشی و ایمنی انتظامی کرمان

زنان پشت رل راننده تاکسی



گفته بودم ساعت ده می‌آیم، ولی در بسته بود و تمام شیشه‌ها را با روزنامه پوشانده بودند. چند قدم به عقب برگشتم و نگاهم به یک تابلوی بزرگ افتاد که روی آن نوشته بود «تاکسی تلفنی حجاب». هیچ تاکسی‌ای پارک نبود. ناامید نشدم و در زدم، دو خانم در را باز کردند، یکی از آنها حلیمه نادرپور، مسئول دفتر آژانس، و دیگری اعظم نادرپور، منشی دفتر بود. عذرخواهی کردند و گفتند برای این که اینجا راحت‌تر باشیم در را از پشت می‌بندیم. فضای آژانس آدم را یاد خوابگاه دانشگاهی می‌انداخت: یک میز، دو صندلی و دو تلفن که مدام در حال زنگ خوردن بود. دعوت‌ام کردند تا کنار بخاری و روی یک پتو بنشینم و آماده شویم برای گپ زدن.

مثل یک دفتر مردانه، با قلبان
 مدیر همان طور که داشت قلبان‌اش را چاق می‌کرد گفت: «هشت، نه سال قبل وقتی مشکلات رفت و آمد خانم‌های گراشی را در سطح شهر دیدم (مثلا این که بعضی از خانم‌ها به خاطر شناخت ناکافی از تاکسی‌های تلفنی در محدودیت بودند و اجازه نداشتند با تاکسی آقایان رفت و آمد کنند) به فکر تأسیس آژانس بانوان افتادم. همه حرف و حدیث‌ها را به جان خریدم و پیشنهاد خودم را برای شهرداری وقت فرستادم ولی آن موقع به خاطر جمعیت کم تصویب نشد. تا این که بالاخره بعد از چندین سال در دی ماه ۸۹ مجوز را گرفتیم. بعد هم که بر خلاف تصور، به محض انتشار آگهی استخدام، خانم‌های راننده حتی از شهرهای اطراف مثل لار و اوز هم استقبال زیادی کردند و اشتیاق خاصی نشان دادند.»

از عبدالعلی صلاحی در مورد مجوز به این تاکسی تلفنی پرسیدم. خلاصه‌ی توضیحات‌اش این است: «چند نفر خواستار مجوز بودند و سر آخر طی مزایده‌ای که گذاشته شد خانم حلیمه نادرپور موفق به گرفتن مجوز شدند»

شرمنده، تاکسی نداریم.
 تلفن مدام در حال زنگ خوردن بود و منشی‌ای که جواب تلفن‌ها را می‌داد هم مدام چند جمله‌ی

تکراری می‌گفت و گوشی را قطع می‌کرد. تا آن لحظه که من آن جا بودم نزدیک ده بار این جمله‌ها را شنیدم: «شرمنده، تاکسی نداریم. اگر عجله ندارید به محض آمدن راننده‌ها برایتان می‌فرستیم.» و بعد با سرعت آدرس‌ها را در دفتری یادداشت می‌کرد.

خانم نادرپور هم‌زمان که به من چایی تعارف می‌کرد گفت: «این مشکل همیشگی ماست. روزانه نزدیک دویست بار تماس تلفنی داریم ولی چون راننده کم داریم نمی‌توانیم پاسخگوی تقاضای مردم باشیم. ما مجوز گرفتن ده راننده را داشتیم، و آن اوایل هم شش نفر از خانم‌های گراشی را استخدام کردیم. ولی از وقتی که طبق اساس‌نامه داشتن گواهینامه‌ی B2 یا گواهینامه‌ی قدیم شهرداری برای راننده‌های تاکسی الزامی شده است، دو نفر شده‌ایم.»

فجای چای را که برداشتم گفتم این چند دقیقه‌ای که اینجا هستم هنوز خبری از آن دو نفر راننده‌ای که دارید هم نشده است؛ فکر کنم خیلی سرشان شلوغ است؟ جواب داد: «استثنا امروز یکی از راننده‌ها نیم ساعت مرخصی گرفته تا در مراسم ختم یکی از آشناهایش شرکت کند و نفر دیگر هم

سی دقیقه‌ای بدون هماهنگی با مسافر می‌رسیدند. ولی حالا شرایط خیلی بهتر شده، چون اگر تاکسی نداشتند، حداقل در همان تماس اولیه میزان تأخیر را بیان می‌کنند.»

میترای بیست و چهار ساله هم خاطراتی تعریف می‌کند: «بعد از انجام دادن کارهای بانکی با آژانس تماس گرفتم. به راننده گفتم جلو خوار و بارفروشی که در مسیر خانمان قرار دارد توقف کند تا سبزی‌ای را که از قبل سفارش داده‌ام بگیرم. رفت و برگشت از مغازه حدود دو دقیقه طول کشید. وقتی ماشین جلوی خانه توقف کرد، راننده هزینه‌ی مسافر را سه هزار تومان گفت. اعتراض‌ام در مورد هزینه بی‌اثر بود و همان مقدار پول را پرداخت کردم.»

داستان زهرا نوزده ساله هم جالب است: «یک روز با تاکسی بانوان در مسیری که حرکت می‌کردیم، یک خودرو از تاکسی تلفنی سبقت گرفت. این موضوع باعث عصبانیت راننده و پرخاش لفظی او نسبت به راننده‌ای که سبقت گرفته شد که باعث تعجب‌ام شد.» باین حال، احتمالاً بیشتر خانم‌هایی که با این آژانس تماس می‌گیرند نظری نزدیک به زینب سی و پنج ساله داشته باشند. «با رفتار دوستانه‌ای که بانوان راننده دارند، آرامش بیشتری دارم و خودم و دخترهایم ترجیح می‌دهیم با تاکسی بانوان رفت و آمد کنیم.»

در حال سرویس‌رسانی است. همان موقع حکیمه نادرپور، یکی از این رانندگان، وارد دفتر شد. عجله داشت تا زودتر خودش را به آدرس بعدی برساند. پرسیدم از کارتان راضی هستید؟ کار بیرون از خانه شما را از خانه‌داری عقب نمی‌اندازد؟ گفت: «ساعت کاری ما از هفت صبح تا هفت شب است. کارهای خانه را معمولاً شب‌ها انجام می‌دهم و به غیر از مشکل کم‌خوابی که با آن کنار آمده‌ام مشکل خاصی ندارم. رانندگی را دوست دارم و از کارم لذت می‌برم.»

راننده‌ی دیگر، یعنی زینب عبدالیان پور، نزدیک ظهر از راه رسید.

حق با مشتری است؟
 آقای دارشی، مسئول تاکسی‌رانی شهرداری گراش پشت تلفن در مورد تاکسی تلفنی بانوان مفید و مختصر می‌گوید: «تا حالا هیچ مشکلی گزارش نشده است و اگر موردی باشد پیگیری می‌کنیم.» ولی این تمام داستان نیست. مثلاً سمیرا بیست و نه ساله، یکی از مشتری‌های ثابت این آژانس، به دلیل به موقع نیامدن و دیر کردن آژانس ناراضی است می‌گوید: «قبلاً تاکسی‌ها با تأخیر بیست تا

کتاب
 محمود غفوری

شما از همه ... تر هستید؟



«موفقیت» در عین حالی که واژه هیجان‌انگیزی است، مخرب و ویرانگر هم است. در طول تاریخ بسیاری از مردم برای رسیدن به موفقیت سر یکدیگر را زیر آب کرده‌اند و می‌کنند! در واقع وجه بارز موفقیت این است که شما از بقیه جلو بپشتید، اما وجه مخفی آن این است که بقیه را به عقب پرت کنید. البته از راه‌های بهتری نظیر زیر آب زدن، رشوه یا شیوه‌های دیگر نیز می‌توانید استفاده کنید. از اینها گذشته، کتاب‌های زیادی در مورد موفقیت نوشته شده است. البته هیچ کدام از این کتاب‌ها مستقیماً نگفته است که سر بقیه را زیر آب کنید، بلکه یک وجه خوب و عامه‌پسند از خود ارائه داده‌اند.

اعتراف می‌کنم که خودم قبلاً از این کتاب‌ها زیاد می‌خواندم و وقتی کلام از «موفقیت‌ها» پر می‌شد، حالت نشنگی به من دست می‌داد. از اینکه با «فکر کردن» می‌توانستم پولدار شوم مشغوف می‌شدم. نمی‌دانم کتاب‌هایی مثل «فکر کنید و پولدار شوید» یا «اسرار ذهن میلیونر» یا از این دست کتاب‌ها را خوانده‌اید یا نه؛ ولی من زیاد خوانده‌ام، و راست‌اش را بخواهید من پولدار که نشدم هیچ، بار یک در شیراز ساکام را همراه پول‌ام بردند! بعدها اعتماد نسبت به این کتاب‌ها از بین رفت و اگر داخل کتابی می‌خواندم که «قدرت فکر؛ شما قدرت برتر هستید» انگار نویسنده داشت به من پوزخند می‌زد که «شما از همه خرت‌تر هستید!»

استادمان یک بار به ما گفت که نویسنده این کتاب‌ها برخلاف عقیده خیلی از جوان‌ها، روان‌شناس نیستند. من اعتقاد دارم که بهتر است با واقعیت‌ها کنار آمد. با فکر کردن پولدار نمی‌شویم. باید کار کرد، کار! و این نظریات دل‌خوش‌کننده را باید دور ریخت. اعتقاد به این که قدرت فکر بسیار نامحدود است و اعتقاد به اینکه «غیرممکن غیرممکن است!» همان قدر مضر است که ما فکر کنیم هیچ کاری از دست ما ساخته نیست. این افکار به انسان یک بینش غیرواقعی می‌دهد که او اگر بخواهد، می‌تواند هر کاری بکند و در واقع «خواستن» توانستن است. اما واقعیت موجود این است که هر محیطی یک سری ضعف‌ها و محدودیت‌هایی دارد که نمی‌گذارد این خواستن، توانستن بشود. در واقع کسانی که به این نظرات ایمان دارند، همیشه بین قدرت فوق‌العاده و ضعف مفرط در نوسان هستند. بعضی از آنها در حالی که شش و روز به خودشان تلقین می‌کنند که خوشبخت هستند، خوشبخت هستند، خوشبخت هستند، ولی بدبختی از سر و روی‌شان می‌بارد. اصلاً قیافه‌شان داد می‌زند که همه این تلقینات، دروغین هستند. از قدیم گفته‌اند که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست!»؛ پس بهتر است که به جای این حرف‌ها در پی عمل بگوییم.

در اینترنت به

کسی اعتماد نکند

قبل از این که فرزندان شما در معرض استفاده نادرست از اینترنت قرار گیرند، راه‌های دسترسی به اطلاعات و نحوه سوءاستفاده از آن را مورد بررسی قرار دهید.

رایانه‌ای که فرزندان از آن استفاده می‌کنند را در اتاق نشیمن بگذارید تا بتوانید بر آنچه انجام می‌دهد نظارت کنید.

در ادامه تأکید شده است که فرزندان خود بیاورید که نمی‌توانند با هر شخصی در اینترنت ارتباط برقرار کنند هیچ تفاوتی ندارد که شخص شما را ببیند یا خیر در هر حال نباید به او اعتماد کنید.

به کودکان خود بیاورید که هرگز نشانه خانه، شماره تلفن یا نام مدرسه خود را در اختیار افراد ناشناسی که در اینترنت ملاقات می‌کنند قرار ندهند همچنین از ارسال کارت اعتباری یا اطلاعات بانکی شما به آدرس افراد مذکور خودداری کنید به فرزندان خود گوشزد کنید که نامه الکترونیکی به همان اندازه که می‌تواند جدی باشد فریبده نیز هست و گاه عمل به محتویات و درخواست آن می‌تواند مشکلات زیادی را به بار آورد.

حمای از بازی‌های رده بندی برای سنین مختلف استفاده کنید. وقوع هر گونه جرائم رایانه‌ای را با رابط پلیس فتا این فرماندهی با شماره ۲۲۲۲۰۸ اطلاع دهید.

دختر عزیزان کمیته سواد کسب
سی‌ام روز این ماه گل‌های اردیبهشت پناه تو را گرفتند و توبه دنیا آمدی خانواده

جناب آقای محمدرضا حاج اسلام پور
انتصاب بجا و شایسته حضرتعالی بعنوان بلزس و کمیته کنترل و ارزیابی پروژه نظام مهندسی ساختمان شهرستان گراش را تبریک گفته و توفیق روزافزون جنابعالی با توجه به تجارب و سوابق درخشان شما در رشته و بالندگی شهرستان از خداوند خواهانیم.

حاج حسن و محمدرضا پور

دختر عزیزان رفیق
آمدی تا ما ز بهار پرن هدیه‌ی خدا را تجربه کنیم. بپست و پنجم اردیبهشت سالروز شکفته شدن گل‌های وجودت را تبریک می‌گوییم. خانواده

شرکت پیلسیمو
PILSIMO TRDG. CO. L.L.C
 تلفن: ۰۰۹۷۱۴ ۲۲۶۹۹۲۵
 فکس: ۰۰۹۷۱۴ ۲۲۶۹۶۶۰
 موبایل: ۰۰۹۷۱۵۰ ۶۵۶۱۲۳۳
 ۰۰۹۷۱۵۰۵۵۴۲۱۸۸

تفاوت را احساس کنید
آرشیستا
 بهترین و بهترین
با مدیریت محمد درخشنده 0917 999 99 81

جناب آقایان دکتر کوثری، دکتر احمدعلی، دکتر کهنان و دکتر سید جواد محقق
ازینکه بلافاصله مضاعف خود در امور پزشکی در بهبودی و درمان پدر و پسر بانمان آقای محمد صادق اسدی بدیندگی ایشان جان و به ما امید دوباره بخشیدید سپاسگزاریم. توفیق روزافزون را برایتان آرزو مندیم.
خانواده اسدی

لوازم خانه
گران خرید! ارزان بخرید! نقد بخرید!
سینا
 تلفن: ۲۲۲ ۳۹۵۵
 ۰۹۱۷۱۸۲۱۲۸۷
نشانی: خیابان امام، روبروی بانک سینا



خط خاطره



فراری از وصیت نامه

پدر و مادر عزیز و مهربانم! خوشا به حالتان که فرزندان را به خدا فروختید و یا خدامعامله کردید.



شهید جعفر شیخی

به برندها علاقه بسیاری داشت. پرواز کردنشان را خوب نظاره می کرد، تایاد بگیرد چگونه می شود پرواز کرد. مادرش می گفت: «برندها کار دستش دادند!»



شهید محسن محسنی

چند روز قبل از شهادتاش با برادرش که خارج از کشور بوده تماس می گیرد. نمی داند به برادر چه گفته بود که وقتی خبر شهادت محسن را دادند، گفت:

«می دانستم. همین روزها منتظر شنیدن چنین خبری بودم. می دانستم محسن شهید خواهد شد.»

حتی وقتی یک سردرد مختصر دارم، قرض مسکن مصرف نمی کنم. چون از گذشته و آثار آن متنفرم. سعی نمی کنم با گذشته زندگی کنم و یادآوری گذشته باعث آزارم می شود، اما سرمایه من است. یک تجربه ی بزرگ که بهای آن بهترین سال های عمرم و جوانی بود. تا پنجم ابتدایی درس خوانده ام و آرزوهای زیادی داشتم که با یک گام غلط بر باد رفت. روزی که رفتم خواستگاری دختردایم، نشستم با صداقت به حرف زدن. از گذشته و حال و برنامه های آینده ام با او حرف زدم تا فردا مورد سرزنش واقع نشود. سی و شش سالم بود و دختردایم ام درخواست ازدواج مرا پذیرفت. سه سال بعد، الناز به دنیا آمد. بیست و چهارم اردیبهشت امسال، خداوند بزرگی اش را در حق من تمام کرد. باورش سخت بود؛ که همسری دارم و پدر شده ام. چیزهایی که توی خواب هم نمی دیدم اما واقعی بودند. بهترین شرایطی که همیشه آرزویش را داشتم و حالا همسر و الناز، همهی زندگی من هستند.



سیاه شده بود. وقتی وارد برنامه شد، احساس پوچی و بی ارزشی و ناامیدی می کردم. در بین انسان های همدردم بودم که دردمان یکی بود و درمان مان هم. آنجا سم زدایی شدم. از نظر جسمی قطع کردم و بعد وارد جلساتی شدم که شروع دوباره ی زندگی بود. گام هایی آهسته و باتاخیر، اما امیدوارانه و مداوم. آنجا فکرم می کرد تا پایان عمرم اعتیاد گریبانم را رها نمی کند تا آن روز که اتفاق افتاد. یکی از دوستانم، مرا به یک مرکز درمانی معرفی کرد. یک برنامه ی دوازده قدمی که بر اساس اتفاقات قشنگی خواهد افتاد. با خودم آشنایی کرده بودم و با قسمت های روشنی از شخصیتام که زیر دود

دست به کار شدند. دست به کار زدنم تا بلکه این لعنتی را کنار بگذارم. به زور متوسل شدم، حمایتام کردند، خود معرف شدم اما فایده نداشت. بارها و در چندین مرحله، پیش دکتر قطع مصرف کردم اما باز آخر سر، همه ی راه ها به اعتیاد ختم می شد. آن وقتها در تربیت بدنی کار می کردم، اما دیگر خبری از آن کارمند مرتب و وقت شناس که همه می شناختند، نبود. دیر به دیر سرکار می رفتم یا اصلا نمی رفتم. بیش از خودم، اطرافیان و خانواده ام اذیت می شدند. مادر می ترسید به خانه ی همسایه ها برود. برادرم از کوچه پس کوچه می رفت اداره. نگاه همه تحقیرآمیز و سنگین بود و انگار هیچ کس تحمل مرا نداشت. من بودم و شرمندگی برای خودم و خانواده ام. سراسیمه.

یک زندگی

را حله بهار

سیاه: انتخاب اشتباه سال شصت و هفت. هجده سالم بود. شیراز بودم. خدمت سربازی. توی یک خانه در یکی از محله های شیراز. من بودم و یک زن و دو مرد. از اعتیاد بدم می آمد اما چند بار به خاطر کنجکاوی و به پیشنهاد دوستان مصرف کرده بودم. اول هروئین. بعد تریاک. اولین بار مصرف حال بدی داشتم. آرزوی مرگ می کردم. اما کنجکاوی شده بودم. بیست روز گذشت. بعد از بیست روز دوباره مصرف کردم. باز هم حال خوبی نداشتم. یک ماه بعد و برای سومین بار بود که حس تازه ای از خودم، اطرافیان و خانواده ام اذیت می شدند. مادر می ترسید به خانه ی همسایه ها برود. برادرم از کوچه پس کوچه می رفت اداره. نگاه همه تحقیرآمیز و سنگین بود و انگار هیچ کس تحمل مرا نداشت. من بودم و شرمندگی برای خودم و خانواده ام. سراسیمه.

کتیبه زخم

علی داوری فردی

قلب راستم نخواست شهید شوم سال نو بود. با قلمی که تازه خریده بودم رفتم که مصاحبه جدیدی را انجام دهم. گفتم مصاحبه ام باید با عباد نادرپور، مدیر دفتر سناتور، یک روز قبل از سفرشان به مکه برای عمره مفرده. گفتم از کجا شروع کنم. گفت: «از هر جا که دوست داری، ولی سوالات سخت نپرسی.» گفتم نه سخت نیست، مطمئنم بیست می گیری. گرچه گفت اهل مصاحبه نیستی، ولی احساس کردم حرفهایی دارد برای گفتن. پرسیدم چه تعریفی از خودتان دارید؟ گفت: «عضو کوچکی از جامعه هستم که قابل ذکر هم نیستم» و خیلی حرف زد که گفت ننویسم، که نوشته ام. بعد از اینکه مصاحبه را شروع کردم و مختصری درباره ستون کتیبه توضیح دادم گفت: «این روزها برای افراد جامعه، جنبازی برابر است با کسب انواع سهمیه ها و امتیازها. در حالی که به هیچ وجه این گونه نیست و کسی به خاطر این ها به جبهه نرفت. چون واقعاً نمی دانستند آینده چگونه می شود. آنها فقط به خاطر خدا رفتند در حالی که نه توفیق داشتند و نه طالب نام و نشانی بودند. این ها را که عرض می کنم هم برای شهدا صدق می کند و هم برای جانبازان. این بحثها، این روزها بر سر زبانها افتاده است. آن هم از طرف کسانی که هیچ گونه دردی را تحمل نکرده اند و این یک قابلیت بود که قابل زمنست و هست. این روزها اگر بگوی یک رزمنده نیمه شب بلند می شد و پوتین ها را واکس می زد و یا لباس های دیگران را می شست و ... به تو می خندند و آن را بحث های بی خود و کلیشه ای می دانند، که فقط جایش در فیلم هاست. آن هایی که شهید شدند و رفتند جزو بهترین های جامعه بودند، چه به لحاظ اخلاقی و چه به لحاظ تیپ و ظاهر و قیافه؛ و اگر این روزها بگویم که جانبازان از قافله شهدا بازمانده اند، واقعاً هم جا مانده اند. ولی این حرفها را کسی نمی فهمد مگر آن هایی که ...»

خود آمار قابل قبولی به جای گذاشتند. احمر را تشکیل می دادند و فرسوده مدیر عامل این تیم بود. اخیر تیم های اول و دوم لیگ برتر به مسابقات دسته سوم کشور و تیم مسابقات حذفی کشور راه می یافتند، لذا جامعه ورزش شهرستان گراش با توجه به مساعدت و حمایت همیشگی حاجی آیت الهی نایب رئیس هیات فوتبال احمد رضا محمودی، دانیال اسدی لاری، اسدالله محمدی، افشین زارعی، مصطفی رامرد و بهروز شیرشمسی باعث گردید تا کادر بزرگسالان تیم هلال احمر بر روی آنها حساب ویژه ای باز نماید.



باز شروع نیم فصل دوم، تیم هلال احمر با شرایط ویژه ای با به مسابقات گذاشت. این تیم که هدفش قهرمانی در مسابقات لیگ بود، تیمها را یکی پس از دیگری درهم کوبید و خود را به بالای جدول رساند و سه هفته مانده به پایان لیگ با شکست دادن تیم پرمهره ی کازرون در زمین حریف، خود را مدعی قهرمانی دانست. ولی نتایج در هفته های پایانی طوری رقم خورد که تیم آینده قهرمان و هلال احمر نایب قهرمان شد. چتر آذر، آذربادگان، خلایق آزاد، اغوزاری، مهروری، افتادگان رحیمی حضور داشتند که با گلزنی های

گزارش آگهی

مسابقات فوتبال لیگ برتر بزرگسالان استان از اواخر شهریور ماه اسفند آغاز شد و تیم فوتبال هلال احمر که یکی از تیم های مطرح فارس به شمار می رود و چندین مقام نایب قهرمانی، مقام سوم و نیز تجربه حضور در مسابقات حذفی و دسته سوم کشور را یک می کشد، خود را آماده حضور در این مسابقات نمود. این تیم در فاصله سه هفته از شروع مسابقات خود را در صدر جدول دید و در حالیکه قصد ادامه روند پیروزی هایش را داشت، به یکباره با کسر ۶ امتیاز مواجه گردید. این خبر که در شب قبل از مسابقه با تیم عقاب شیراز قطعی گردید، باعث شد بازیکنان از نظر روحی و روانی در شرایط نامناسبی قرار گیرند و بازی را به حریف خود واگذار نمایند. پس از این اتفاق، با توجه به اینکه ریشه اعتراضات از سوی عده ای همشهریان گراشی صورت گرفته بود، عده ای از همراهان کناره گیری از لیگ را به صلاح دیدند، ولی با جلسهای که اعضای هیات مدیره تشکیل دادند، قرار شد با جدیت و تلاش متضاد به بازیها ادامه دهند. این امر باعث گردید تا یاران هلال احمر مهدی شمس، یعقوب کریمی، غلامرضا جوکار، فرهاد پزشکی، ابوالحسن غلامی، قاسم یوسفی، سعید فرسوده، خلیل کهنبدلی، فرشاد

هلال احمر گراش نایب قهرمان لیگ برتر فوتبال استان فارس

AL QADAH TRADING Co. L.L.C

شرکت القاده

فروش به صورت عمده و جزیی

تلفن: ۳۳۸۶۸۷۷

دبی، خیابان الراس

هزارمهمان معصومان

چهارم اردیبهشت ماهروز درخشیدن تودر آسمان هسته من است. این روزها به توفیق یکدیگر می گویم.

اولین و بهترین بیرون بر غزال

سفرات مجالس پذیرفته شد!

گراش / بازار سرداران (کوهساز) جنب فضای بنگا / منزل: نولانی

بعد از صرف چای، از احساس اش پرسیدم. گفت: «کلا درد جنبازی و درد مجروحیت یک درد خاصی است توأم با شیرینی خاص. من زیاد به احساس توجه نمی کنم ولی این (اشاره به قلبش) باعث شد که از رفاقا بمانم و از فیض شهادت بی نصیب.» پرسیدم رفاقا و همزمانات چه کسانی بودند؟ گفت: «شهید قاسم بهادری، شهید ناصر عظیمی، شهید ناصر اماتی، شهیدان محمد و محسن بهمنی، شهید حاجی حسن زاده، جانباز وفاقی فرد، حاج محمدعلی زارعی، حبیب فروزش، سید حسن زیارتی، محمد توکلی، غلامحسین واحدی و ... آن زمان رفاقت مان با حاجی حسن زاده، ناصر عظیمی، ناصر اماتی و حبیب فروزش خیلی تنگناک بود، مخصوصاً با حاجی حسن زاده. ولی امروز دیگر زندگی مان رنگ دنیایی گرفته و باعث شده از هم دور شویم.» گفتم دوست داری سوال بعدی چه باشد؟ خودت مطرح کن و خودت هم جواب بده. بعد از یک مکث تقریباً طولانی گفت: «بنویس تمام دغدغه و فکر ما حفظ قداست خون شهداست. بنویس این انقلاب حاصل خون شهداست و هر کس به این انقلاب خیانت کند زمین زمین می خورد و هر کس یاری اش کند، بلند می شود. بنویس دعا کنید آقا ظهور کند تا مشکلات تمام مسلمین حل شود و این بار با تحکم بیشتری خطاب به من کرد و گفت: «می توانی این ها را واضح و روشن بنویسی؟» گفتم بله و من هم نوشتم. بعد از لحظاتی استراحت گفتم: این دفتر را چگونه راه اندازی کردی؟ گفت: «در جنگ و بعد از جنگ، آرزویم زیارت کربلا بود. یادم است که یک بار به عزم کربلا تا مرز خسروی نیز رفتم ولی توفیق یار نشد. بعدا راهنمایی مان کردند به این گونه دفتر. تصمیم ام را گرفتم و بعد از طی کردن مراحل سخت اداری و مکاتبات گوناگون، این دفتر راه اندازی شد. ولی انگیزه اصلی مان همان زیارت امام حسین (ع) در کربلا بود.» سراز آمار سفرهایش را گرفتم. گفت: «حسابش از دستم در رفته است. خودم قابل نیستم و این از برکت و نیت خوب و پاک مردم شهرستان گراش است. این توجه و عنایت ائمه اطهار (س) را در هر بعدی از زندگی مان به وضوح می بینم.» عادت ام این است که وقتی احساس کردم مصاحبه تمام است، بگویم یک خاطره برایت تعریف کن! اما این بار خاطره از جنگ نیست. «وقتی می رفتم مدینه، غربت و مظلومیت ائمه بقیع (ع) را احساس می کردم. بخصوص قبر حضرت ام البنین (س). نه این که نمی خواستیم برویم، نمی گذاشتند برویم. یک بار رفتم کربلا؛ به نظرم رسید که مقداری از آب دور قبر حضرت ابوالفضل (ع) را بردارم. برداشتم و در سفری که به مدینه رفتم با کمک و نهمیانی برخی از بچه های کاروان، آن آب را دور قبر حضرت ام البنین (س) ریختم. کاری که به نظرم کسی آن را انجام نداده است و این خاطره برایم خاطره ای خاص است.»



جلسه هیات ورزش روستای-عشایری



بازیکنان حاضر در مسابقات کانتز در لار



تیم اسکیت گراش



بازدید اعضای هیات بینکچام از روستاهای گراش

چهار مقام سومی برای دانش آموزان پینگ پنگ باز



عکس از آرشیو - مسابقات تور نوجوانان

حاصل تلاش دانش آموزان پینگ‌بازان گراشی در مسابقات استانی دو مدال برنز تیمی و دو مدال برنز انفرادی بود. دبیرستانی‌ها و راهنمایی‌ها تقریباً نتایج مشابهی گرفتند. در مسابقات تنیس روی میز قهرمانی آموزشگاههای متوسطه پسران استان فارس ۱۲ تیم و در مسابقات مقطع راهنمایی ۱۴ تیم حضور داشتند که در هر دوره مقطع تیم گراش سوم شد.

دبیرستانی‌ها با دو برنز

در مسابقات تیمی که با حضور ۱۳ شهرستان برگزار گردید تیم گراش با ترکیب حمیدرضا موعلی، میلاد عباس‌ساز، امین افکار، محمد فاندی و عبدالغفور غفوری به مربیگری عبدالهادی موعلی و مهرداد رستم پور توانست مقام سوم این دوره از مسابقات را از آن خود کند. تیم‌های ناحیه یک شیراز و مرودشت دیدار فینال را برگزار کردند.

در قسمت انفرادی نیز با حضور ۵۲ راکت به دست به صورت حذفی برگزار

گردید که حمیدرضا موعلی از گراش توانست دومین مدال برنز گراش را به نام خود ثبت کند. در انفرادی وحید هنرمند از مرودشت اول شد و پوریا خیراندیش رو سکوی دوم ایستاد.

مرحله گروهی تیم گراش با شکست

دو شیراز به دیدار رده بندی رفت و با شکست ۰-۳ کارزون مقام سومی مسابقات را از آن خود کرد. ناحیه یک شیراز نیز با شکست ۰-۳ ناحیه دو شیراز ثر بازی فینال قهرمان مسابقات تیمی شد. اما در رقابتهای انفرادی که با حضور ۵۶ بازیکن برگزار گردید در پایان آقایان مهدی جلیلی و علی بخشی هردو از ناحیه یک شیراز قهرمان و نایب قهرمان شدند و محمد حسینی از گراش و علی کاظمی از ناحیه سه شیراز مشترکاً در جای سوم قرار گرفتند. تیم مدارس راهنمایی گراش از محمد موعلی، محمد حسینی، مهدی رام یارپور و محمدحسین سیاوشی اصفهانی تشکیل شده بود که محمد حسینی و محمد موعلی به اردوی منتخب استان دعوت شدند. حسین درویشی و عبدالهادی موعلی مربیان تیم گراش در این رقابت‌ها بودند و مهرداد رستم پور سرپرست تیم را بر عهده داشت.

در حاشیه والیبال دسته دوم بانوان فارس

نامه رسیده

الهه رفایی فرد

در دسرهای برگزاری یک مسابقه استانی



تیم والیبال بانوان استقامت گراش - نایب قهرمان مسابقات

فکری به حال خوابگاه بکنند. بالاخره قرار بود گراش میزبان شود. از فرماندار شروع می‌کنیم که خیلی مشتاق بود کمک کند اما بنده خدا جایی را نداشت که در اختیار ما قرار بدهد. شهردار هم خوابگاه شهرداری را در اختیارمان قرار داد که یک آپارتمان دو خوابه اما کوچک و تمیز بود. رئیس آموزش و پرورش هم که خانه معلم را در اختیارمان گذاشتند و یک مدرسه هاجر که‌ندلی هم آمدند برای کمک. خلاصه همین‌جور مثل مور و ملخ بود. مسئولان دیگر هم که آدم وقتی به چهره‌شان نگاه می‌کرد، خودش متوجه همه چیز می‌شد.

خلاصه هیات فوتبال زورخانه را هم به ما دادند که یکی از آنها امنیت نداشت، یکی هم آبگرمکن؛ و یک خوابگاه کوچک هم توی آبشار اندیشه بهمان که از مسئولان عزیز خواهش کنیم که

تزدیک به دو هفته مانده بود به ورود تیم‌ها و هنوز هیچ کاری انجام نشده بود. این وسط فقط خانم پالایش بود که مثل اسفند روی آتش نبود و با استرس و نگرانی دنبال کارها بود. آخر قرار بود حدود ۱۸ تیم والیبال که هر تیم حداقل ۱۵ نفر بودند برای مسابقه گراش به بیابند و ما هنوز به خوابگاه

داشتم و نه چیزهای دیگر آماده بود. تقریباً همه‌ی بچه‌های تیم نگران بودیم که آخرش چه می‌شود؟؟؟ این طور فایده نداشت. دیدیم علاوه بر تیم، آبروی شهرستان هم می‌رود. غمگینم گرفتیم چند تا خانه پیدا کنیم که لاقال چند تا اتاق داشته باشد. بقیه چیزها را هم جور می‌کنیم.

بعد از کلی گشتن و پرس‌وجوی شبانه‌روزی، چند تا خانه پیدا

دادند. واقعاً جالب است که این همه خوابگاه، دروغ از یک خوابگاه! خلاصه به همین هم راضی شدیم. چند روز آخر دیگر هر کسی دنبال کاری بود، یکی راکت تعویض درست می‌کرد؛ یکی شماره آژانس‌ها و رستوران‌ها را جمع می‌کرد؛ یکی دنبال پتو و بالش بود. بیشتر کارها هم روز دوش رباب پالایش و معصومه غیبی بود. از دو هفته قبل فقط تمرین داشتم. دو روز مانده بود به مسابقه و یک عالمه کار. بیچاره خانم‌ها پالایش، خدیجه و معصومه غیبی، لیلی رایگان، طیبه جعفریان و حلیمه حسین‌شیری، یکی‌یکی رفتند و خوابگاه‌ها رو می‌شستند و تمیز می‌کردند. حتی تا روز آخر که من و وحیده حسن‌زاده هم به آنها اضافه شدیم، دنبال کار و بار بودیم. از اختصاص خوابگاه‌ها به شهرهای مختلف، تا سفارش غذای داورها که در راه بودند. روز آخر حدود ساعت سه بود که کارها تقریباً تمام شد. تیم‌ها یکی یکی می‌آمدند و من و وحیده با یک مسئولان دیگر هم که آدم وقتی به چهره‌شان نگاه می‌کرد، خودش متوجه همه چیز می‌شد.

خلاصه هیات فوتبال زورخانه را هم به ما دادند که یکی از آنها امنیت نداشت، یکی هم آبگرمکن؛ و یک خوابگاه کوچک هم توی آبشار اندیشه بهمان می‌گفت پتو کم داریم، یکی می‌گفت

اسکیت

سوسن باختر به اردوی تاسکیت بانوان فارس دعوت شد
تیم اسکیت بانوان شهرستان گراش که با ترکیب خانمها شریفه روشن، مریم شمس، مریم باقری، فاطمه بیات، طاهره موسوی، سوسن باختر، کوثر محمودزاده و هانیه روانید به مربیگری خانم مریم پورشمسی و سرپرستی آقای حسن جعفری به مسابقات اسکیت قهرمانی استان در شیراز اعزام شده بود در میان ۱۳۲ شهرستان شرکت کننده به مقام چهارم این رقابتها نائل آمد و سوسن باختر اسکیت باز خردسال گراشی باغلبه بر رقیبای خود به اردوی انتخابی تیم اسکیت استان راه یافت.

فوتبال

احسان جوکار به برزیل رفت
احسان جوکار سرمربی تیم فوتبال شهدا برای شرکت در یک دوره آموزش مربی‌گری به برزیل سفر کرد. احسان جوکار می‌گوید در شهر پور پارسل پس از قبولی و گذراندن دوره مربی‌گری در شیراز و معرفی قبول شدگان به فدراسیون، دو نفر از استان فارس برای شرکت در این دوره معرفی شدند.

این دوره آموزشی از ۳۱ فروردین به مدت ۱۲ روز در کوریتیبیا برزیل برگزار می‌شود. جوکار می‌گوید قبل از اعزام دو روز جلسه توجیهی توسط فدراسیون فوتبال برگزار می‌شود و فدراسیون تنها نیمی از هزینه این سفر را پرداخت می‌کند. او می‌گوید هزینه ۵۵۰۰ دلاری که بر عهده خودش است را با گرفتن وام از چندجا تهیه کرده است. شش نفر از ایران به دعوت تیم فوتبال آلتلیکو پارانیس که در لیگ دسته اول برزیل حضور دارد در این دوره شرکت می‌کنند.

پینگ پنگ

پینگ‌باز ۴۵ ساله اولین جام سال ۹۱ را برد
اولین رقابت سال ۹۱ پینگ‌بازان با قهرمانی محمد ملایی پایان یافت. سومین دوره مسابقات تور بزرگسالان به مناسبت گرامیداشت ۱۲ فروردین باحضور ۲۰ بازیکن در خانه پینگ پنگ بانو حاجیه رضوی گراش برگزار شد که محمد ملایی پیشکسوت این رشته ورزشی توانست مقام قهرمانی را بدست آورد.

این دوره از مسابقات در ۴ گروه ۵ نفره و مرحله نهایی آن به صورت حذفی برگزار گردید که محمد ملایی با ۴۵ سال سن با سبک بازی کات از عقب میز توانست مقام قهرمانی را بدست آورد و توجه تمامی حاضرین را به خود جلب نماید.

عبدالهادی موعلی به مقام نائب قهرمانی رسید و مهدی یحیایی و محمد موعلی توانستند مقام سوم مشترک را به خود اختصاص دهند. در آخرین رقابت‌های سال ۱۳۹۰ مسابقات دسته برتر بود. ششمین دوره مسابقات دسته برتر بزرگسالان گراش با حضور ۱۰ بازیکن برتر طی ۲ شب در خانه پینگ پنگ بانو حاجیه رضوی برگزار شد که در پایان عبدالهادی موعلی قهرمانی مسابقات را از آن خود کرد.

در رده‌بندی نهایی بعد از هادی موعلی، حمیدرضا موعلی و حسین امانی دوم و سوم شدند.

بازی‌های رایانه‌ای

گراشی‌ها در نبرد رایانه‌ای لار را شکست دادند
تیم گراش پیروز مسابقات کانتز بین سی تیم گوناگون در شهر لار شد. بازی کانتز یکی از بازی‌های محبوب در میان گیمن‌ت‌های دنیا است. هر از چندگاهی گیمن‌تنی‌ها برای بازی کانتز دور یکدیگر جمع می‌شوند. در یک دوره مسابقات غیر رسمی که بین سی تیم از شهرهای گراش، لار، خور و از برگزار شد، گراشی‌ها با شش برد و یک باخت اول شدند. تیم گراش در این مسابقات از ترکیب گیمن‌ت مدرن و پادینا تشکیل شده بود. مجتبی مالدار، وحید رادمرد و احمد اسدی اعضای این تیم بودند که با پشتیبانی خدمات کامپیوتری پادینا به لار رفتند. بعد از گراش که قهرمان مسابقات شد تیم‌های امپراتور و پارت لار دوم و سوم شدند.

ورزش روستایی

جشنواره ورزش روستایی-عشایری در ارد و فداع برگزار می‌شود
در نشست با روسای شوراهای ورزشی روستاهای، سرپرست اداره ورزش و جوانان گراش از برگزاری دو جشنواره بزرگ ورزشی در سال ۱۳۹۱ خبر داد. در این نشست اکبری رئیس اداره ورزش و جوانان گراش به بیان عملکرد شوراهای ورزشی روستایی عشایری در سال ۹۰ پرداخت و اظهار داشت بخش ارد و دهستان فداع در سال گذشته نسبت به سایرین بهتر عمل کردند. وی ضمن تأکید بر فعالیت ورزش روستایی عشایری در سال جاری گفت امسال دو جشنواره بزرگ ورزشی روستایی عشایری در رشته‌های والیبال، فوتبال، پینگ پنگ و دو میدانی به مناسبت هفته تربیت بدنی و دهه فجر انقلاب به ترتیب در بخش ارد و دهستان فداع برگزار خواهیم کرد. در ادامه این نشست از سوی اداره به هر یک از نمایندگان شوراها مبلغ پانصد هزار ریال اهدا شد. همچنین مقداری وسایل ورزشی خریداری و در اختیار شوراهای ورزشی روستاهای قرار خواهیم داد. سپس نمایندگان شوراهای به منظور رشد و توسعه ورزش روستایی عشایری به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و مقرر شد در جلسات شورای ورزش شهرستان از نمایندگان شورای ورزشی روستاهای دعوت شود.

هیات‌های ورزشی

پول بر اساس تعداد ورزشکاران هیات تقسیم می‌شود.
در نخستین نشست روسای هیاتهای ورزشی در سال ۹۱ برای برنامه‌های سال ۹۱ گفتگو شد. به گزارش روابط عمومی اداره ورزش و جوانان گراش در این نشست پس از تلاوت آیات کلام... مجید اکبری ضمن خیرمقدم و تبریک سال جدید به بیان عملکرد ورزش گراش در سال ۹۰ پرداخت و گفت خوشبختانه در سال گذشته ورزشکاران شهرستان با اقتدار در اغلب رشته‌ها موفق به کسب مقام شدند. وی تصریح نمود هیات‌های باستانی، وزنه‌برداری و والیبال مردان سال کم‌تحرکی را پشت سر گذاشتند. اکبری افزود اعتبارات سال جاری بر اساس فعالیت ورزشکاران سازمان یافته به هیاتها تخصیص داده خواهد شد. رئیس اداره ورزش و جوانان با انتقاد از بی‌تفاوتی برخی از روسای هیات‌ها اظهار داشت افرادی که صرفاً به دنبال یک کشیدن پست و مقام هستند کنار بروند تا نیروهای تازه نفس جایگزین گردند. در ادامه این نشست روسای هیاتهای ورزشی در خصوص تدوین تقویم ورزشی سال ۹۱ بحث و تبادل نظر کردند.

جناب آقایان حاج زین‌العابدین طحانی

حاج مرتضی‌تاج محمدی و خانواده محترم

طواف بیت‌الله الحرام در مکه

مکره و زیارت حرم نورانی

رسوالاکرم (ص) در مدینه

منوره گوارا و وجودتاد باد.

برایتاد آرزوی تدوام روحیه

معنوی و دعای خیر را داریم.

حجگر مقبول و سیکر مشکور

حاجه شامحمدی

عبدلوهاب شامحمدی

کارنامه نماینده مردم

به نتیجه چهار سال نمایندگی آقای علی اصغر حسنی از ۲۰ چه نمره‌ای می‌دهید:

دلایل خود برای نمره‌هایی که کم کرده‌اید را به تعداد نمره‌های کسر شده بنویسید:

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.
- ۹.
- ۱۰.

سه فعالیت چشمگیر و اصلی حسنی در دوره نمایندگی چه بوده است؟

اول:

دوم:

سوم:

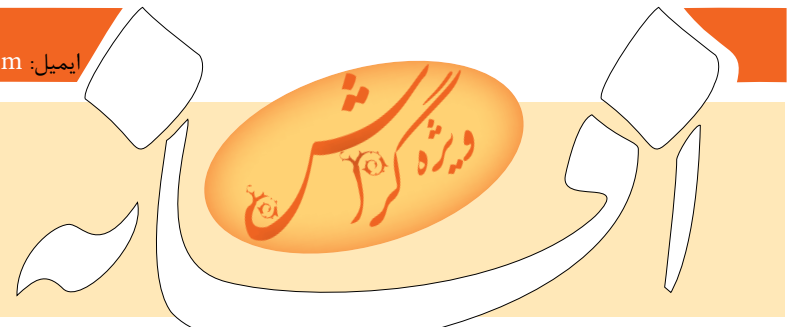
نام و نام خانوادگی شما :

سن:

شغل:

تلفن همراه:

به سه نفر از کسانی که این فرم را تکمیل کرده و برای نشریه افسانه فرستند هر کدام ده جلد کتاب اهدا می‌شود. نتایج این نظرسنجی در شماره آینده منتشر می‌شود. فرم تکمیل شده را تا ۲۵ اردیبهشت‌ماه به دفتر نشریه: گراش. خیابان امام(ره). روبه‌روی بانک صادرات. طبقه زیرین ساختمان جابری تحویل دهید یا به ایمیل gerash@gmail.com ارسال کنید.

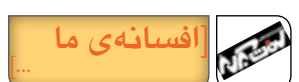


افسانه روزنامه صبح فارس

سیاسی-اقتصادی-فرهنگی-ورزشی-هنری
صاحب امتیاز: رامین رسول اف
نشانی شیراز: خیابان ذوالانوار غربی-کوچه ۱۸-پلاک ۵۸-روزنامه افسانه

ویژه نامه افسانه گراش

سردبیران: محمدصادق رحمانیان و محمد خواجه پور
مسئول نمایندگی: محمدعلی شامحمدی
مدیر تحریریه: مسعود غفوری



طبق معمول بهارهای گذشته امسال نیز عروسی‌های زیادی در نوروز برپا شد. سال گذشته در این مدت ۲۹ عروسی را ثبت کردیم و امسال ۳۵ عروسی را ردیف کرده‌ایم. به امید پرشارتر شدن این ستون به همه خانواده‌های بهاری فروردین ۱۳۹۱ تبریک می‌گوییم:

- دوشیزه اعتماد فرزند امیدعلی و آقای مهدی کشاورز
دوشیزه استادی فرزند عبدالله و آقای ابودر جمشیدی
دوشیزه بخشی فرزند عبدالحسین و آقای مسعود نیکخو
دوشیزه پزشک فرزند اسکندر و آقای مهدی بهزادی
دوشیزه پزشک فرزند نجات و آقای حسین پزشک
دوشیزه پناهنده فرزند محمدرضا و آقای محمد پورغفور
دوشیزه پورشمسی فرزند اکبر و آقای محمد پورشمسی
دوشیزه پورشمسی فرزند جعفر و آقای وحید شایان پور
دوشیزه جاویدآزاد فرزند حسن و آقای هادی یوسفی
دوشیزه جاوید فرزند رحمت و آقای فرهاد جبرالدینی
دوشیزه جبرالدینی فرزند حاج زینل و آقای محمد اندیشه
دوشیزه جدی فرزند حاج حسین و محمدرضا یزدان
دوشیزه جمالی فرزند احمد و آقای محسن مهبیایی
دوشیزه حسینی فرزند ناصر و آقای مسعود حسینی
دوشیزه حقانی فرزند هدایت و آقای محسن محسن‌زاده
دوشیزه دانشور فرزند حاج غلام و آقای وحید اکبری
دوشیزه راستی فرزند بابا و آقای محمدحسین جهانسوزی
دوشیزه راستی فرزند مرحوم محمدحسن و آقای اسماعیل عابدین پور
دوشیزه رجاییان فرزند یونس و آقای محمدرضا غلامی
دوشیزه رحیمی فرزند اصغر و آقای ناصر شبانی
دوشیزه زمانی فرزند محمد و آقای امید خواجه‌گراشی
دوشیزه شمسی فرزند فاضل و آقای غلامحسین مهبیایی
دوشیزه شوری فرزند نواز و آقای حسین کهنسال
دوشیزه شیروان فرزند جانعلی و آقای محمد رستم پور
دوشیزه صدیقی فرزند محمد و آقای علی معین‌زاده
دوشیزه صمیمی فرزند صادق و آقای میثم فولادوند
دوشیزه فردوسی‌نژاد فرزند حاج عباس و آقای مهدی راهیما
دوشیزه فیوضات فرزند علی و آقای مهدی آگین
دوشیزه کریم‌زاده فرزند نادر و آقای احمد آگین
دوشیزه محبی فرزند حسینعلی و آقای فرهاد نوازنده
دوشیزه محمدزاده فرزند زینل و آقای محمدعلی مقدسی
دوشیزه معصومی فرزند حاج عبدالحسین و آقای ناصر افشار
دوشیزه مهروری فرزند ابراهیم و آقای احمد عظیمی
دوشیزه نجفی فرزند حسن و آقای مجید جمالی
دوشیزه نظری فرزند علی و آقای محمد دادوند
دوشیزه نوروزی فرزند احمد و آقای ابراهیم نظری



اعضای دور اول شورای اسلامی شهر گراش - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸
محمد نام‌آور- جعفر رسولی‌نژاد- سیدعباس جهانپنازی- محمد کریمیان و حبیب‌الله مهربانی



هدیه‌ای برای روز مادر

روز مادر نزدیک است؛ هر چه فکر می‌کنم من که از خود چیزی ندارم که برایش هدیه بگیرم تا شاید گوشه‌ای از زحمات چند ساله‌اش را جبران کنم و البته خوب می‌دانم که رحمت الهی، تنها جبران زحمات تربیتی والدین است. «رب ارحمهما کما یریانسی صغیرا» گویا خداوند به فرزند می‌گوید: «تو رحمت خود را دریغ مدار، از خدا

عصرانه ادب‌دوستان در حوض نقره برپا شد

در دهمین روز بهار سال ۱۳۹۱ شاعران و نویسندگان گراش و لارستان در برنامه عصرانه در حوض نقره گرد هم آمدند. پنجشنبه هر هفته شاعران و نویسندگان در انجمن خود جلسه دارند اما دومین پنجشنبه امسال کمی متفاوت بود. به دعوت صادق رحمانی و موسسه هفت برکه، شاعران و نویسندگان گراش میزبان همراهم خود از شهرها و روستاهای همجوار بودند. از ساعت ۵ کم‌کم جمع ادب دوستان جمع می‌شد. از میان حاضرین نام‌هایی شناخته شده‌تر بودند. فقیهی‌نژاد رئیس هیات انامی دانشگاه پیام‌پور اوز به همراه سلیمان سلیمان پور از دبی در جمع حضور داشتند. فرشته سلیمان پور مسئول سابق صفحه شعر عصر اوز نیز آن‌ها را همراهی می‌کرد. راشد انصاری از دیده‌بان به گراش آمده بود و ناصر رزمجو او را همراهی می‌کرد. دکتر نوروزی استاد دانشگاه بندرعباس از دهکویه در جلسه حضور داشت. جمع لاری‌ها پرشارتر بود و امامی، مفتوحی، سلمانی اختری، طاهری و قناعت پور به همراه خانم قوامی حضور داشتند. از سرزمین‌های جنوبی‌تر دلیر از بیرم آمده و باقری از چابهار، حسین فریدونی نیز از فداغ در جمع حضور داشت.



چرا خبر ۹۱۳؟

در صفحه آخر شماره گذشته سه خبر با عنوان خبر ۱۳ منتشر شده بود. خبر ۱۳ یکی از فرم‌های مرسوم طنز است. در این گونه طنز سعی می‌شود که خبرهایی با زبان رسمی تنظیم شده اما در آن اطلاعات نادرست منتشر می‌شود. در این گونه خبرهای کدما و نشانه‌هایی وجود دارد که مخاطب را به تردید می‌اندازد. مثلا در خبرهای منتشر شده نام‌های ابوالفرز حسین پور یا آژانس گراش فردا به عمد اشتباه نوشته شده بود. اما چرا رسانه‌های حتی رسانه‌های بسیار معتبر خبر ۱۳ منتشر می‌کنند؟ تاثیر رسانه‌ها بر احساس اعتماد مخاطبان به آنان بنا شده است اما قرار نیست مخاطبان تمامی آنچه رسانه‌ها به خورد آنان می‌دهند را بپذیرند. خبر ۱۳ یادآوری این نکته به خوانندگان است که باید خبرها را با دقت خوانده و تحلیل خود را با آن همراه کنند. برای رسانه‌هایی همانند افسانه گراش داشتن مخاطبان تیربین و تحلیل‌گر همراه با آگاهی به دانش رسانه از اهداف همیشگی بوده است. خبرهای شماره قبل یک تلنگر به مخاطبان مان بود که نباید هر خبری را از رسانه‌های رسمی و غیر رسمی باور کرد و باید خبرها را با میزان عقل و آگاهی سنجید. جدا دارد در اینجا از صبوری و طنزپذیری اساتید گرامی دکتر مقتدری و دکتر کوثری همچنین همراهی دوستان گرامی محمدعلی شامحمدی و ابوالحسن حسینی که در این خبرها اشاره‌هایی به آنان شده بود تشکر بود. در تنظیم خبرها همواره مخاطبان خود را باهوش و تیربین می‌دانیم و در خبرها سعی داریم با اشاراتی با آنان سخنان بگوییم. اعتماد شما مهمترین دلگرمی برای ما ادامه کار است.

Advertisement for 'Auj پروانه‌های خود را با ما به نظاره بنشینید' (Auj پروانه‌های خود را با ما به نظاره بنشینید مهد کودک پروانه‌های کوچک). Features a grid of children's portraits with names like سیدشهریار جهانپنازی, علی رضا وفارفر, محمدرضا صالحی, مهدیار یزدادی, عبدالرسول داتور, محمدابین قربانی, عبدالکریم شوری, اسما حسنی, بهار رفیعی, سوگند وفایی‌نیا, الهه قاسمیان, سیده مرضیه زیارتی, نگار رهروی, زینب فیروزی, نگار عظیمی, دیانا احتشام, برنیا جمالی, مهدیه دانشور, فاطمه مهبیایی, مصومه اسدی‌لاری, حدیث رنجبر, محمدابین گنجی, طاهیا عباسپور, دانیال زرگری, حامد نیکنام, امیرحسین غلامی, علی حسینی‌فرد, سامین ثابدی, محمدحسین بیروش, الهه اسدی‌لاری, بنیامین افشه, محمدابین حسینی‌فرد, ایلینا افشرده, امیرمحمد شهبازی, عرفان خشنود, سارینا عابدی, ابوالفضل پورشمسی, حوریه رهزوردیانی, یریا محمدی, محمدصادق فاجی, نیلوفر باقری, مهدی وفارفر.

Advertisement for 'فرزندان گرامی انصاری چهارمین بهار رویداد کل وجود را تبریک می‌گوییم'. Features a photo of a young girl and mentions 'مامان، بابا، برادرت محمدعلی و فواهرانات'.

Advertisement for 'مهر وادجان روز تولد تو میلاد عشقی پاک است برای خاطر این روز پیمانیم به خالی است ۲۵ اردیبهشت پنجمین سال هفتاد و شصت چهارگ بابا مامان'.

Advertisement for 'دانش روز سیمین کسب مقام اول استانی مسابقتی گفتمان رهبری (نجم‌لهدی) و راهابی شما به مر حلهی کشوری تبریک عرض می‌نماییم'. Features a photo of a young boy.

Advertisement for 'فرزندان گرامی خروانی کسب مقام اول استانی مسابقت قرآن و عترت را تبریک عرض نموده و امید است در پرتو توجهات حضرت ولی عصر (عج) موفق و مؤید باشید. از طرف خانواده‌ها'.

Advertisement for 'جناب آقای دکتر زین‌العابدین حبیبی و سرکار خانم بیبیه حبیبی پذیرایی سینه درگذشت مادر گرامی‌تان را خدمتتان تسلیت عرض نموده و علو درجات را برای آن مرحومه عرض می‌نماییم. اوست پایدار محمدعلی پورسناه'.

Advertisement for 'پنجمین سالروز عروج ملایک گلدسته انصاری مادرم بدان که در تمام لحظات تاخ و شیرینی زندگی، حضور گرم تو و را در کنار خود احساس می‌کنیم و یقین داریم که تو هم با چشمان ات از آسمان‌ها به ما می‌نگری فرزندان'.

Advertisement for 'تفاوت را احساس کنید آرشیستا'. Features an image of a person lying on a sofa and the phone number '0917 999 99 81'.